Archive of SID.ir

فصـــــلنامه بیـــن المللـــــی قـــانـــون یـــار
License Number: 78864 Article Cod:Y6SH27A 3787825 ISSN-P: 2538-3701

قواعد فقهی ناظر بر مبانی سرقت ژنتیک

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۴/۱۰)

حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حسن عابدیان کلخوران [۱]

سید مصطفی حسینی

پژوهشگر برگزیده کشور و دارنده تندیس پژوهشگر برتر از موسسه قانون یار در سال ۱۴۰۲

چکیده

یافته های علمی بشر هر روز ابعاد گسترده تری می یابد و محققان و پژوهشگران رشته های مختلف علوم با مطالعات عمیق و جامع خود به دستاوردهای جدیدی در جهان علم دست می یابند. در میان پیشرفت های چند دهه اخیر، گسترش بیوتکنولوژی و مهندسی ژنتیک، تاثیرات عمیقی بر زندگی بشر گذاشته است. اندیشمندان دینی، از اولین افرادی بودند که به چالش های اخلاقی علوم ژنتیک اشاره کرده و آن را مورد نقد و بررسی قرار دادند. فقه در بردارنده برنامه زندگی مسلمانان در همه ابعاد است و حقوق موضوعه ایران از فقه شیعه اقتباس شده است. در فقه شیعه، به جرایم اجتماعی از جمله سرقت پرداخته شده است. «ژنتیک» یکی از خاص ترین ویژگیهای جسمی افراد است و «داده های ژنتیکی» از جمله دستاوردهای علمی عصر جدید است که مطالعه بر روی سلولهای بنیادی انسان را شامل می شود و امروزه دارای اهمیت بسیار زیادی است و در کشف و درمان بیماری، تشخیص هویت، کشف جرایم و بسیاری موارد دیگر به جامعه کمک می کند همچنین در جهت ساخت تسلیحات بیولوژیکی و نسل کشی و تغییر در سلولهای بنیادی انسانها مورد سوءاستفاده قرار می گیرد. این تحقیق که به روش تحلیلی - توصیفی انجام شده است، به بررسی مبانی فقهی حقوقی سرقت ژنتیکی پرداخته و سایر احکام جزایی منطبق بر آن را نیز مورد مطالعه قرارداده است و به این نتیجه رسیده است که در فقه اسلام، علاوه بر سرقت، جرایمی همچون محاربه، افساد فی الارض و جاسوسی نیز در شرایطی، قابل انطباق بر آن است و مشمول تحریم برخی قواعد فقهیه همانند قاعده لاضرر و نفی سبیل نیز هست و در حقوق موضوعه ایران، افساد فی الارض، جاسوسی و اقدام علیه امنیت ملی را می توان در شرایطی بر سارق ژنتیک حمل کرد اما محاربه به علت عدم تحقق عنصر مادی آن در سرقت ژنتیک، محقق نیست.

واژگان کلیدی: سرقت ژنتیک، محاربه، قواعد فقهی، افساد فی‌الارض

---

[۱] نویسنده مسئول

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بخش اول: کلیات

دامنه مباحث فقهی بسیار گسترده است و در مواردی (مانند اصول کلی فقهی، قواعد فقهیه و ...) مباحث و احکام به گونه ای است که مصادیق متعدد را در بر می گیرد و هر موضوعی قابلیت انطباق بر مساله را داشته باشد، همان حکم را خواهد داشت. از جمله این مسائل، بحث سرقت است؛ بحث سرقت و احکام آن از مسائل مهم فقه است که در کتب فقهی سرفصلهای مجزایی به خود اختصاص داده است و پیرامون آن بسیار بحث شده است.

تعریف و حکم سرقت به نحوی است که مصادیق و انواع مختلف سرقت را در بر می گیرد اما با این حال لازم است در شمول مصادیق مشکوک در تعریف سرقت، بیشتر بحث کرد تا بتوان در مورد جاری کردن احکام سرقت در آنها به یقین صحبت کرد. با گسترش تکنولوژی ها و علوم مختلف، سرقت ها از سرقت احشام، لوازم منزل و اشیاء پیرامون ما عبور کرده تا جایی که امروزه بحث از سرقت ادبی، سرقت دستاوردهای علمی و یا سرقت سلولهای بنیادی و ژنتیک و. . . رسیده است. اما به رغم اهمیت و حساسیت مسأله ژنتیک و موضوعات پیرامون آن، در رابطه با ماهیت عمل سرقت ژنتیکی و انطباق آن با احکام جزایی در فقه و حقوق، تحقیقات و مطالعاتی انجام نشده است. بنابراین لازم است که نسبت به بررسی ماهیت و چیستی سرقت ژنتیک و تحلیل مبانی فقهی و حقوقی آن به عنوان یک عمل مجرمانه بحث و امعان نظر صورت گیرد. در این خصوص می توان به ویژه با تمسک به اهمیت نظم عمومی و مصالح و امنیت جامعه مسلمین و لزوم ممانعت از تسلط بیگانگان، در مبانی فقهی و همچنین عناوینی چون افساد فی الارض و اقدام علیه امنیت جامعه، در قوانین جزایی، به طرح بحث پیرامون امکان مواجهه با پدیده سرقت ژنتیک و تمامی ایادی داخلی و خارجی دخیل در آن، پرداخت و معیارهایی را در خصوص تمیز پژوهش های ژنتیکی فایده مند و پژوهش هایی که ممکن است به منظور جاسوسی و کسب اطلاعات سری با هدف کشف نقاط ضعف و ضربه به امنیت کشور در مواقع لزوم انجام می شود، ارائه نمود. با این بیان، در تحقیق حاضر بر آن شده ایم که برای نخستین بار موضوع چالش برانگیز سرقت ژنتیکی را با توجه به مبانی فقهی مورد مطالعه و تحلیل قرار دهیم. شایان ذکر است که این بررسی تا حد امکان با در نظر گرفتن مبانی

فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار – دوره هفتم – شماره ۲۶ – تابستان ۱۴۰۲ – دبیرخانه مرکزی ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

و آموزه‌های قواعد فقهی انجام می‌پذیرد. برای این منظور لازم است ابتدا کلیاتی از موضوع ژنتیک و کابردهای مثبت و منفی آن ذکر شود تا ضمن پی بردن به اهمیت موضوع، ارزش و قابلیت انطباق آن بر بحث سرقت بیشتر مبرهن گردد. لذا مساله اساسی در این تحقیق، مبانی فقهی سرقت ژنتیک بوده است اما در اثنای بحث، نگاهی نیز به کاربردهای داده های ژنتیکی انداخته شده است و همچنین علاوه بر سرقت، مشخص شده که کدام یک از احکام جزایی دیگر در فقه، قابل انطباق بر بحث می باشد. فرضیه هایی نیز در ادامه بیان شده در ضمن تحقیق صحت و سقم آنها مشخص شده است.

بخش دوم: قواعد فقهی منطبق بر سرقت ژنتیک

قواعد فقهیه قواعدی هستند که در بردارنده یک حکم کلی منطبق بر مصادیق متعدد بوده به نوعی که هر موضوعی دارای شرایط خاصی باشد که در قاعده وجود دارد، مشمول حکم قاعده خواهد بود. از آنجا که بحث این تحقیق، نگاه فقهی به مقوله سرقت ژنتیکی بوده، بجاست برخی قواعد فقهی که احتمال شمولیت بر موضوع مورد بحث را دارند، ذکر و با بیان مفاد و معنی آنها، بررسی گردند.

بند اول: قاعده لاضرر و سرقت ژنتیک

یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه مانند عبادات، معاملات و. . . به آن استناد می‌شود، قاعده لاضرر است که مستند بسیاری از مسائل فقهی میباشد. اهمیت قاعده مذکور به حدی است که بسیاری از فقها از گذشته دور و نزدیک در تألیفات و تقریرات خود رساله مستقلی را به آن اختصاص داده اند. قاعده لاضرر از اساسی ترین و معروفترین قواعد فقه اسلامی است و باتوجه به مدارک و منابع چهارگانه فقه می توان به آن استناد کرد (مظلوم و همکاران، ۱۳۹۶، تبیین قاعده لاضرر و لاضرار در مباحث فقهی، ص ۱۸ و ۱۹).

که با توجه به اینکه بحث از این قاعده، مورد نظر نیست، از بیان مدارک و دلایل قاعده خودداری کرده و به بیان مفاد آن و ارتباط با بحث این مقاله پرداخته شده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بند دوم: تحلیلی بر مفاد قاعده

در باب این قاعده تحقیقات زیادی انجام شده است که در تبیین بخشهایی از این قاعده از نتایج آن تحقیقات با رعایت امانت داری و ارجاع به منبع، استفاده می شود. در معنای ضرر معنای مختلفی ذکر نموده اند. صحاح اللغه ضرر را خلاف نفع میداند. ضرر به معنای خسارت و زیان در برابر نفع و بهره و سود قرار دارد. معنای درست قاعده لاضرر، حرمت اضرار است، در نتیجه این قاعده از احکام عناوین اولیه است و جایی برای تعارض بین آن و سایر ادله احکام باقی نمی ماند. با این وجود، براساس تفسیری که برخی از قاعده تسلیط که از حدیث نبوی: الناس مسلطون علی اموالهم اتخاذ شده است، کرده اند، قاعده لاضرر در این معنی، یعنی حرمت اضرار به غیر نیز، با قاعده تسلیط تعارض پیدا می کند (مظلوم و همکاران، پیشین، ص۲۴). ممنوعیت اضرار از جمله احکامی است که در کلیت آن تردیدی نیست. این ممنوعیت گاه ناظر به اضرار به دیگری و گاه ناضر به اضرار به خود است. اضرار به دیگری به لحاظ حکم تکلیفی عملی حرام و به لحاظ حکم وضعی با وجود شرایطی موجب ضمان خواهد بود. روایات لاضرر با فرض دلالت بر نهی دال بر حرمت ضرراند. همچنین با پذیرش نظریه نفی حکم ضرری در این دسته روایات نیز میتوان حرمت اضرار را اثبات کرد، زیرا اباحه اضرار به غیر حکم ضرری است که ادله لاضرر آن را منتفی می کند. در مجموع برای مفهوم و مفاد قاعده، احتمالات زیادی ذکر شده که اهم آنها عبارتند از:

۱- مراد از «لاضرر و لاضرار» این است که در اسلام حکم ضرری وضع نشده است (انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، بی تا، ج۲، ص۱۶۳ و ضیاءالدین عراقی، فوائد الاصول، بی تا (چاپ جامعه مدرسین)، ج۳، ص۲۶۲ و. . .) یعنی شارع مقدس نه در احکام تکلیفیه و نه در احکام وضعیه، حکمی را جعل نکرده است که از ناحیهٔآن مکلف ضرر ببیند؛ مثل: وجوب وضو برای کسی که تهیهٔآب برای او ممکن نباشد مگر به پرداخت پول بسیار زیاد که موجب ضرر باشد، در این صورت شارع حکم به وجوب وضو نکرده است (انصاری، همان، ج۲، ص۱۶۳).

۲- کسی نمیتواند به دیگری و یا به خودش ضرر بزند (خراسانی، ملا محمد کاظم، کفایه الاصول، بی تا، ج۲، ص۴۶۶ ۲۶۸. و لنکرانی، سیری کامل در اصول فقه، همان، ج۱۳، ص ۵۳۹).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳- احتمال دیگری نیز وجود دارد که «لاضرر» حکم ضرری را نفی نمیکند بلکه ضرری را نفی میکند که قابل تدارک نباشد. به این معنا که هر کجا در اسلام ضرری وجود داشته باشد، آن ضرر تدارک و جبران دارد، و ضرری که قابل تدارک و جبران نباشد در اسلام وجود ندارد (لنکرانی، سیری کامل در اصول فقه، همان، ج۱۳، ص۵۳۷).

۴- معنای دیگری که برای ضرر ذکر شده این است که ضرر امر وجودی است که از پدید آمدن نقص در جان، مال، و آبرو، پدید میآید (عراقی، هامش قاعدهٔ لاضرر و لاضرار، بی تا، ص ۱۳۰).

بند سوم: مفاد قاعده و سرقت ژنتیکی

هر کدام از احتمالات یاد شده که برای معنای قاعده ذکر شد، لازم است بر موضوع سرقت ژنتیک منطبق گردند تا مشخص گردد که قاعده یاد شده می تواند مبنای حرمت سرقت ژنتیک گردد یا خیر؛ بر این اساس هرکدام از احتمالات یاد شده را مورد بحث قرار می دهیم؛

احتمال اول بحث از حکم ضرری است به این معنی که اسلام حکمی را وضع نمی کند و مکلفی را به تکلیفی ملزم نمی کند که ضرری به دنبال داشته باشد. به نظر می رسد این معنی برای قاعده، برای احکام وجوبی و استحبابی قابل بهره برداری باشد بطوری که در فقه، حکم به وجوب یا استحباب فعلی داده نشده است که مستلزم ضرر برای مکلف یا دیگران باشد. این معنی از قاعده ارتباط زیادی به موضوع سرقت ژنتیک پیدا نمی کند.

احتمال دوم برای معنای قاعده که فقها ذکر کرده اند، کاملا منطبق بر موضوع مورد بحث این رساله به نظر می رسد چراکه در این معنا، کسی مجاز به ضرر زدن به خود و دیگری نیست. از آنجا که همانطور که در فصول قبل بیان شد، سرقت اطلاعات ژنتیکی برای سوءاستفاده از آنها (تغییر در نسل، کشتار، ایجاد بیماری و. . .) منتهی به ضرر فجیع به دیگران خواهد شد لذا حتی اگر هم تعاریف یاد شده از سرقت را منطبق بر بحث ژنتیک ندانیم و اشکالاتی از جهت مالیت داشتن یا. . بر آن وارد کنیم، بر مبنای این قاعده نیز می توان حکم حرمت این فعل را استنباط کرد.

در احتمال سوم بحث از ضرری است که قابل جبران نباشد و باید گفت تغییرات ژنتیکی در نسل آدمی قابل تدارک نیست و وقتی شخصی با سوءاستفاده از اطلاعات ژنتیکی سرقت شده،

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دچار عوارضی مانند عقیم شدن، بیماری های سخت و. . . گردد، جبران ناپذیر است. لذا بر مبنای این معنی برای قاعده لا ضرر نیز این قاعده مستند حرمت سرقت ژنتیکی خواهد بود.

در احتمال چهارم از معنای قاعده گفته شد که مراد از «ضرر» در این قاعده ضرر جانی، مالی و آبرویی است. بر این معنا، سرقت ژنتیکی تحریم خواهد شد چرا که هرگونه استفاده از این اطلاعات برای تغییرات نسلی، نژادی، مغزی، ایجاد بیماری و. . . ضررهای سنگینی برای انسانهای هدف در پی دارد. بنابراین قاعده لاضرر می تواند مستند مناسبی برای تحریم جابجایی اطلاعات ژنتیکی برای سوءاستفاده از آنها باشد. البته اگر این سرقت فقط برای پیشرفت مطالعات علمی درباره انسان بوده و هیچگونه سوءاستفاده ای علیه افراد از آنها نشود، این قاعده قابل بهره برداری نیست چراکه ضرری در بین نیست.

بخش سوم: قاعده نفی سبیل و سرقت ژنتیک

به نظر می رسد یکی از ادله اصلی حرمت سرقت ژنتیکی و اسرار مسلمین به دشمن، قاعده نفی سبیل باشد. چرا که برخی فقها نیز برای این حکم، به یک قاعده کلی تحت عنوان «قاعده نفی سبیل» نیز استناد کرده اند (میرزای نائینی، المکاسب و البیع، ۱۴۱۳، ج۲، ص ۳۴۴) که از آیه ۱۴۱ سوره نساء استنباط شده است. طبق این قاعده هر کاری که باعث تسلط کفار بر مسلمین شود جایز دانسته نمی شود. در این بخش از مقاله در نظر است ابتدا قاعده نفی سبیل و مفاد آن تبیین، سپس با موضوع بحث (سرقت داده های ژنتیکی) مورد تطبیق و تحلیل قرار گیرد چرا که انتقال داده های ژنتیکی امت اسلام به دولتهای ضد اسلامی باعث قدرت یافتن آنها در تولید عامل های بیماری زا و همچنین سلاح های نسل کشی می شود (همانطور که در فصول قبل بیان شد)، و این از مصادیق بارز تسلط یافتن کفار بر مسلمین است. لازم به ذکر است از آنجا که بحث اصلی این مقاله، مبانی فقهی این قاعده نیست، از بیان مدارک قاعده و اصل یا اماره بودن قاعده و سایر فروعات آن بحث نمی شود و تنها به مفاد قاعده بسنده می شود سپس ارتباط قاعده با سرقت ژنتیک مورد تحلیل قرار می کیرد:

فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار – دوره هفتم – شماره ۲۶ – تابستان ۱۴۰۲ – دبیرخانه مرکزی ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بند اول: قاعده نفی سبیل و مفاد آن در فقه

از قواعد مهم فقهی که هم آیات قرآن و هم اخبار مستفیض و هم اجماع بر آن اقامه شده و فقها در موارد کثیری مبنای استنباط احکام فرعیه قرار داده‌اند قاعده‌ی نفی سبیل می‌باشد که مستند به ادله زیادی از جمله آیهٔ شریفهٔ «وَ لَنْ یَجْعَلَ اللهُ لِلْکافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلًا» است (بجنوردی، قواعد فقهیه، ۱۴۰۱، ج۱، ص ۳۴۹)، این قاعده از قواعد در بین قواعد فقهی دیگر، از قواعد بسیار مهم و مورد بحث فقهاست چرا که این قاعده باعث اعتلای نظام اسلامی و موفقیت و پیروزی آن بر دول کفر است (مازندرانی، مبانی الفقه الفعال فی القواعد الفقهیة الأساسیة، ۱۴۲۵، ج۱، ص۲۳۷). حرمت هر عملی که سبب شود دشمنان دین و یا غیر مسلمان راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمان یا مسلمانان پیدا کنند، مفاد این قاعده است (جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، بی تا، ج ۳۵، ص ۱۳۴) بنابراین، مصادیق مشخصی برای این قاعده وجود ندارد و لب مفاد این قاعده، نفی هرگونه سبیل برای کفار و سلطنت آنها بر مسلمین است و در همه معاملات و مرابطات) مازندرانی، همان، ص ۲۳۹) و بلکه در همهٔ ابواب فقهی جاری است (جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶، ج۱، ص ۱۹۶) و آیه مستند قاعده هم نکره در سیاق نفی است که افاده عام می کند. از دیدگاه فقها، لسان قاعدهٔ نفی سبیل، حکومت واقعی است بر ادلهٔ اولیهٔ؛ یعنی به مقتضای این قاعده هر عقد و پیمان و هر معامله و ایقاع و قراردادی به حسب طبع اولیاش اگر موجب علو و عزت و شرف کافر بر مسلم بشود منفی است و اعتبار حقوقی ندارد. بنابراین دلالت این قاعده حکومت واقعیهٔ است بر ادلهٔ اولیه (بجنوردی، قواعد فقهیه، ۱۴۰۱، ج۱، ص ۳۵۸).

بند دوم: ارتباط بحث قاعده با اطلاعات ژنتیکی

همانطور که گفته شد، این قاعده نیز محصور به مصادیق محدود نیست. دولتهای ضد اسلامی سعی در بکارگیری صنایع و علوم مختلف برای مقاصد نظامی و ساخت انواع سلاح برای مقابله با اسلام دارند و این قاعده با صدای رسا بیان و تصریح می کند که خدای متعال هیچ حکم و قانونی که موجب تسلط کفار بر مسلمین، بلاد و ناموسشان شود را مشروع نمی داند (مازندرانی، مبانی الفقه الفعال فی القواعد الفقهیة الأساسیة، ۱۴۲۵، ص ۲۳۷). علاوه بر

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تجهیزات نظامی، این قاعده در آموزش امور نظامی، امور پزشکی، هوا فضا، مخابرات، اقتصاد و... نیز جاری است (مازندرانی، همان، ص ۲۳۹). یا حتی مثلا گاهی در مواردی که قاچاق مواد مخدر با انگیزه‌های سیاسی از جانب دشمنان اسلام همراه است و بلکه حتی اگر چنین انگیزه‌هایی وجود نداشته باشد از آثار شیوع مواد مخدر، زوال اراده‌ی دفاع از دین و حریم میباشد که در این صورت سبیل برای دشمنان دین و اسلام فراهم می‌شود، علاوه بر اینکه بسا فرد معتاد به جهت از دست دادن غیرت دینی، به سهولت به معاملاتی که موجب ولایت کفار و دشمنان دین می‌شود، تن میدهد و در مواردی حاضر به همکاری با اجانب می‌شود. بنابر این اگر چه در جمیع معاملات و تکسب، موضوع سبیل قطعی نیست، اما از آنجا که زمینه ساز اعمال ولایت کفار و سلطه دشمنان دین می‌باشد و در پاره‌ای از موارد سبب تحقق سبیل کفارو دشمنان دین می‌شود به نظر میرسد برای صدق موضوع قاعده کافی است. بنابر این اگر بر اساس این قاعده حکم به حرمت شود صحت آن بعید نمی‌باشد (جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، بی تا، ج ۳۵، ص ۱۳۴ و ۱۳۵).

بنابراین، سرقت داده های ژنتیکی و رسیدن آن به دشمنان اسلام، باعث تسلط کفار بر مسلمین شده و از موارد نهی شده در قاعده نفی سبیل است. لذا اگر سارق، با هدف رساندن اطلاعات به دشمن اقدام به سرقت کند، علاوه بر اینکه مرتکب سرقت و جاسوسی شده و این اقدام او علاوه بر ادله تحریم یاد شده در بخشهای قبل، مشمول نهی در قاعده نفی سبیل نیز هست.

بخش چهارم: سایر احکام جزایی منطبق بر سرقت ژنتیک در فقه

در بخش قبل سرقت ژنتیکی و قیود و فروعات بحث آن مورد بررسی قرار گرفت. در این تعریف در نظر است سایر احکام جزایی منطبق بر انتقال غیر قانونی اطلاع ژنتیکی برای استفاده های غیرسالم علیه مسلمین مورد بحث قرار گیرد و اینکه اگر سرقت ژنتیکی از ابتدا با هدف این استفاده ها انجام شود، بر کدام بحث فقهی قابل انطباق است. توضیح اینکه گاهی سارق ممکن است اقدام به سرقت اطلاعات ژنتیکی کند تا با مطالعه روی آنها به کشفیاتی دست یابد و به نام خود تمام کند هدف او فقط رسیدن به معلومات علمی جدید باشد، در این صورت اقدام او فقط درقلب سرقت علمی قابل بررسی است. اما چنانچه با اهدافی مانند ضربه زدن به

فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار - دوره هفتم - شماره ۲۶ - تابستان ۱۴۰۲ - دبیرخانه مرکزی ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مسلمین و کمک به دشمنان انجام شود، به نظر می رسد در قالب مفاهیمی از جمله محاربه، افساد فی الارض و جاسوسی به نفع دشمن قابل بحث است. برای اثبات این مدعا، ابتدا هر کدام از این مفاهیم را از نگاه فقه تبیین کرده و سپس انطابق آنها بر موضوع ژنتیک را مورد تحلیل قرار می دهیم؛

بخش پنجم: محاربه

محاربه یکی از جرایم در فقه اسلام است که مجازات سنگینی برای آن در نظر گرفته شده است. در نگاه اول، در مقوله بحث داده های ژنتیک و استفاده های مجرمانه از آنها، یکی موارد قابل انطباق بر آن، محاربه است چرا که همانطور که در فصول قبل گفته شد، از این داده ها برای ساخت بمب های خاصی استفاده می شود که حتی درک آن هم وحشت آورد است چه برسید به اینکه بمب ساخته شود و دشمن با نشان دادن و رزمایش های خود بخواهد برای مسلمین رعب و وحشت ایجاد کند. بنابراین، در این بخش از مقاله، فرضیه این است که استفاده از داده های ژنتیکی برای ساختن بمب های خاص و نشان داده آن بمب ها، محاربه محسوب می گردد؛ با این فرضیه، بحث را دنبال کرده تا صحت و سقم آن مشخص گردد؛ برای این منظور لازم است ابتدا تعاریف فقهی از محاربه را عنوان کرده و در قسمت بعد، انطباق آن تعاریف بر موضوع را مورد بررسی قرار دهیم؛

نکته مهم دیگر که لازم است در این بخش اشاره شود اینکه با توجه به اینکه موضوع این مقاله علمی «سرقت ژنتیک» است، اگر قصد سارق استفاده از داده های ژنتیکی برای ساخت سلاح های نژادی باشد و با این حال، قدرت نمایی با این سلاح ها بر تعاریف «محاربه» قابل انطباق باشد، در این صورت موضوع سرقت، انجام مقدمات برای محاربه خواهد شد.

بند اول: تعریف محاربه در منظر فقه و فقها

برای محاربه تعاریف زیادی در کتب فقهی عنوان شده است و از آنجا که بحث محاربه از مباحث مهم فقهی است، کمتر فقیهی یافت می شود که به این موضوع نپرداخته باشد. لذا چند تعریف از کتب فقهی ارائه، ذیل هر تعریف اهم نکات آن ذکر، و در پایان آنها این تعاریف مود تحلیل قرار گرفته و جمع بندی می گردند:

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱- علامه حلی

- «و هو کل من جرد السلاح لإخافة الناس، فی بر أو بحر، لیلًا أو نهاراً، فی مصر و غیره، ذکراً أو أنثی» (حلی، إرشاد الأذهان إلی أحکام الإیمان، ۱۴۱۰، ج۲، ص۱۸۶).

- «کل من جرد السلاح للاخافة فی بر أو بحر لیلا أو نهارا» (حلی، تبصرة المتعلمین فی أحکام الدین، ۱۴۱۱، ص ۱۹۰).

- «المحارب من جرد السلاح لإخافة الناس فی بر أو بحر، لیلا کان أو نهارا، فی مصر و غیره، و سواء کان فی العمران أو فی البراری و الصحاری، و علی کل حال و هل یشترط کونه من أهل الریبة الظاهر من کلامه فی النهایة الاشتراط، و الوجه المنع إذا عرف أنه قصد الإخافة، سواء کان المحارب ذکرا أو أنثی» (حلی، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، ۱۴۲۰، ج۵، ص۳۷۹).

وجه مشترک تعاریف علامه حلی، تجرید سلاح برای ترساندن مردم است و علامه در این تعاریف، بین شب و روز و خشکی و دریا شهر و روستا تفاوتی ندیده است. در تعریف اخیر، علامه «قصد ترساندن» را برای تحقق محاربه کافی دانسته و گفته است که شرط «اهل ریبه» بودن معتبر نیست و همچنین مهم نیست که اقدام کننده زن باشد یا مرد.

۲- شیخ طوسی

«و المحارب کل من أظهر السلاح فی بر أو بحر أو سفر أو حضر» (طوسی، الجمل و العقود فی العبادات، ۱۳۸۷ق، ص ۱۶۰).

«المحارب الذی ذکره الله تعالی فی آیة المحاربة هم قطاع الطریق الذین یشهرون السلاح، و یخیفون السبیل» (طوسی، الخلاف، ۱۴۱۷، ج۵، ص۴۵۷).

«المحارب هو الذی یجرد السلاح، و یکون من أهل الریبة، فی مصر کان أو غیر مصر، فی بلاد الشرک کان أو فی بلاد الإسلام، لیلا کان أو نهارا. فمتی فعل ذلک، کان محاربا» (طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بی تا، ص۷۲۰).

در تعاریف شیخ طوسی نیز «شهر سلاح» قید مشترک است اما وی در تعریف اخیر، ضمن بیان عدم تفاوت بین بلاد اسلام و کفر، شب و روز و شهر و غیر شهر بودن، «اهل ریبه» بودن را لازم

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دانسته است. بنابراین در نظر ایشان، اگر فاعل از افراد مشهور بـه اوبـاش گـری نباشـد، هرچنـد تجرید سلاح کند و قصد رعب و وحشت هم داشته باشد، محارب محسوب نمی شود.

۳- شهید اول

«و هو من جرد السلاح للإخافة فی مصر أو غیره لیلًا أو نهاراً و إن کان امـرأة بشـرط الریبـة و لـو ظناً، لا الطلیع و الردء و المنتهب و المختلس و الضعیف الذی لا یخاف منه عادة، و لو خیف منه فمحارب، و لو تظاهر اللص فمحارب» (عاملی، شهید اول، الدروس الشرعیة فـی فقـه الإمامیـة، ۱۷۱۴، ج۲، ص۵۹).

«فی ماهیته و هو کل من جرد السلاح لإخافة الناس، فی بر أو بحـر، لـیلا أو نهـارا، فـی مصـر أو غیره، ذکرا أو أنثی» (همو، غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد، ۱۴۱۴، ج۴، ص۲۶۹).

شهید اول نیز «تجرید سلاح و قصد ترساندن مردم» را اولین قید تعریف آورده و نیز تفاوتی بین شب و روز، زن و مرد و بر و بحر قائل نشده است فقط اینکه برای زن، «اهل ریبه» بودن را لازم دانسته است.

۴- شهید ثانی

ایشان همین تعریف را بیان کرده اما به جای «للاخافة»، از عبارت «من اهل الریبة» استفاده کرده است (عاملی، شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۱۴۱۰، ج۹، ص۲۹۰).

۵- ابن ادریس حلی

«و المحارب، هو کل من قصد إلی أخذ مال الإنسان، و شهر السلاح فی بر، أو بحـر، أو حضـر، أو سفر» (حلی، ابن ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۱۴۱۰، ج۲، ص۱۹).

ابن ادریس هدف محارب را «اخذ مال از مردم» عنوان کـرده و ضـمن بیـان تعـاریفی کوتـاه از محاربه، تفاوتی بین برة و بحر و سفر و حضر قائل نشده است. نکته تمایز این تعریف با تعاریف قبلی، همان «اخذ مال از مردم» است که به نظر می رسد ناظر به یکی از اهداف محارب است نه اینکه محاربه منحصر در این قصد باشد. چرا که همانطور که در تعاریف قبلـی گفتـه شـد و در تعاریف بعدی نیز خواهد آمد، هیچ کدام از فقها برای تحقق محاربه، این قید را ذکر نکرده اند بلکه این قید می تواند یکی از اهداف محارب باشد چنانکـه مقاصـد دیگـری نیـز ماننـد ایجـاد

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

رعب و وحشت، فرار از یک موضوع دیگر از میان مردم (برای اینکه بترسند و راه باز کنند) و. . . متصور است.

۶- ابن براج طرابلسی

«من کان من أهل الریبة و جرد سلاحا فی بر أو بحر، أو فی بلد أو فی غیر بلد فی دیار الإسلام أو فی دیار الشرک، لیلا أو نهارا کان محاربا» (طرابلسی، المهذب، ۱۴۰۶، ج۲، ص۵۵۳).

ابن براج اولین قید تعریف را «اهل ریبه» بودن آورده است و این ناظر به اهمیت این قید در نظر ایشان است. وی نیز در سایر قیود، با تعاریف دیگر از نظر ماهوی مشترک است هرچند در کاربرد الفاظ با هم تفاوتهایی دارند.

۷- طبرسی

المحارب «الذی ذکره الله تعالی فی الآیة هم قطاع الطریق، الذین یشهرون السلاح و یخفون السبل، و به قال ابن عباس، و جماعة الفقهاء» (طبرسی، المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف، ۱۴۱۰، ج۲، ص۴۱۸).

طبرسی در تعریف خود، بحث «یخفون السبل» را بیان کرده که گویا محاربه فقط بری قطاع طریق (یا به اصطلاح امروزی، راهزن) محقق می شود. به نظر می رسد با توجه به تعاریف دیگر فقها، انحصار محاربه در «قطاع طریق» دارای نقض در تعریف محاربه است و این تعریف جامع افراد نیست.

۸- ابن حمزه طوسی

«المحارب کل من أظهر السلاح من الرجال أو النساء فی أی وقت و أی موضع یکون» (ابن حمزه طوسی، الوسیلة إلی نیل الفضیلة، ۱۴۰۸، ص ۲۰۶).

تعریف ابن حمزه نیز در بر دارنده قیود اصلی سایر تعاریف، یعنی تجرید سلاح و عدم توافت در جنس فاعل و وقت و محل وقوع فعل است.

۹- حلی (فخرالمحققین)

«المحارب کل من أظهر السلاح و جرده لإخافة الناس فی بر أو بحر لیلا کان أو نهارا فی مصر أو غیره و لا یشترط الذکورة و لا العدد بل الشوکة فلو غالبت المرأة الواحدة بفضل قوة فهی قاطعة طریق و لا یشترط کونه من أهل الریبة» (حلی، فخر المحققین،

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ۱۳۸۷، ج۴، ص۵۴۲). فخر المحققین ضمن تصریح به قیود تجرید سلاح و قصد ترساندن مردم و عدم تفاوت در زمان و مکان فعل، تاکید می کند که حتی اگر یک زن به تنهایی غالب باشد و دارای قدرتی باشد که بتواند قطع طریق کند، محاربه محقق می شود.

۱۰- محقق حلی

«المحارب هو الذی یجرد السلاح، و یکون من أهل الریبة، فی مصر کان أو غیر مصر، فی بلاد الشرک کان أو فی بلاد الإسلام، لیلا کان أو نهارا. فمتی فعل ذلک، کان محاربا» (محقق حلی، نکت النهایة، ۱۴۱۲، ج۳، ص۳۳۴).

«المحارب کل من جرد السلاح لإخافة الناس فی بر أو بحر لیلا کان أو نهارا فی مصر و غیره؛ و هل یشترط کونه من أهل الریبة فیه تردد أصحه أنه لا یشترط مع العلم بقصد الإخافة؛ و یستوی فی هذا الحکم الذکر و الأنثی إن اتفق و فی ثبوت هذا الحکم للمجرد مع ضعفه عن الإخافة تردد أشبهه الثبوت و یجتزأ بقصده» (محقق حلی، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۱۴۰۸، ج۴، ص۱۶۷). به نظر می رسد محقق حلی تعریف کاملی ارائه داده و با طرح سوالاتی درباره برخی قیود، به این سوالات نیز پاسخ داده است. وی نیز تجرید سلاح، قصد ترساندن مردم و عدم تفاوت در جنسیت فاعل، زمان و مکان را ذکر کرده و صرف قصد ترساندن را برای تحقق محاربه کافی دانسته هرچند به هدف خود نرسیده باشد و ترسی ایجاد نشده باشد.

۱۱- مقداد حلی

«کل من جرد السلاح لإخافة الناس فی بر أو بحر، لیلا أو نهارا، ضعیفا کان أو قویا، من أهل الریبة کان أو لم یکن، ذکرا کان أو أنثی فهو محارب» (مقداد حلی، کنز العرفان فی فقه القرآن، ۱۴۲۵، ج۲، ص۳۵۱). مقداد حلی نیز «اهل ریبه» را شرط ندانسته و تفاوتی در جنسیت فاعل، زمان و مکان قائل نشده و نکته دیگری که در این تعاریف ذکر شده و در سایر تعاریف دیده نشد، «ضعافاً کان او قویاً» است که ناظر به وضعیت و توانایی فرد فاعل است و وی قصد فاعل را برای حکم به محاربه کافی دانسته هرچند اقدام کننده فردی ضعیف باشد و اصولا از چنین فردی، کار مهمی بر نیاید.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱۲- حلی (صاحب معالم)

«تجرید السلاح لیلا أو نهارا فی مصر و غیره لإخافة الناس، سواء الذکر و الأنثی، قویا أو ضعیفا، من أهل الریبة أو لا» (حلی (صاحب معالم)، معالم الدین فی فقه آل یاسین، ۱۴۲۴، ج۲، ص۵۱۶). صاحب معالم نیز تعریفی با قیود مشهور و مورد اتفاق اکثر فقها ذکر کرده است. ایشان نیز «اهل ریبه» بودن را معتبر نداسته است.

۱۳- مجلسی اول: محارب کسی را گویند که تجرید سلاح کند برای ترسانیدن مردم در شب یا در روز در بحر یا در بر شهر یا در بیرون و در معموری یا در خرابی مذکر باشد یا مؤنث (مجلسی اول، یک دوره فقه کامل فارسی، ۱۴۰۰ق، ص۲۰۴).

بند دوم: تحلیل جمع تعاریف

در مجموعه تعاریف یاد شده، برخی قیود به طور مشترک ذکر شده اند. قید «تجرید یا نشان دادن سلاح» از جمله این قیود است که در همه تعاریف آمده است. «قصد ارعاب» نیز از قیود مشترک تعاریف است که مخالفی در بین فقها ندارد. عدم تفاوت در زمان، مکان و جنسیت فاعل نیز برای تحقق محاربه، از نکات مشترک تعاریف است. اما در بین تعاریف یاد شده، «اهل ریبه بودن و نبودن» مورد اختلاف فقها بود اما بیشتر فقها آن را معتبر ندانسته بودند. به نظر می رسد ذکر این قید در تعریف محاربه ضروری نباشد چرا که هرچند فردی تا زمان فعل، دارای سابقه اوباش گری و مشهور به این عمل نباشد اما این بار قصد ارعاب کرده و با تجرید سلاح و سایر اقدامات بخواهد به هدف خود برسد. از این جهت است که بیشتر فقها این قید را ذکر نکرده اند و یا تصریح به عدم اعتبار آن کرده اند و برخی نیز قوی یا ضعیف بودن فاعل را فاقد اعتبار معرفی کرده اند که این امر نیز ناظر به عدم سبقه اوباش گری و اهل ریبه بودن برای فرد است چرا که فردی که ضعیف است و در حالت عادی کسی از او رعب ندارد، این بار قصر ارعاب کرده و اقدام به تجرید سلاح و. . . می کند، محاربه محقق می شود. همچنین برخی فقها، صرف «قصد ترساندن» را کافی دانسته هرچند با فعل مرتکب، خوف ایجاد نشده باشد. بنابراین، می توان محاربه را در تعریفی با جمعه بین تعاریف یاد شده، با تبعیت از نگاه مشهور، این چنین تعریف کرد که:

فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار - دوره هفتم - شماره ۲۶ - تابستان ۱۴۰۲ - دبیرخانه مرکزی ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

محاربه عبارتست از نشان دادن و تهدید با سلاح یا هر چیزی که به عنوان سلاح استفاده کند، با قصد ترساندن و ایجاد رعب و وحشت در مخاطب از هر طریق و در هر مکان و زمان.

بخش ششم: انطباق تعاریف بر موضوع کاربردهای اطلاعات ژنتیکی

با توجه به تعاریف بالا، برای بررسی انطباق بحث ژنتیک در موضوع این مقاله بر موضوع محاربه، قیودی در تعریف و تحقق محاربه معتبر است که نیاز به تبیین و به روز رسانی بر اساس مقتضیات زمان دارند. در این بخش، با تبیین و تطبیق این قیود بر معانی امروزی، ارتباط مساله با سرقت ژنتیکی نیز مشخص می شود؛

۱- به نظر می رسد «تجرید السلاح» که در همه تعاریف بود، به مقتضای زمان، منظور نشان دادن اسلحه و آمادگی برای استفاده است که در آن زمان، بیرون کشیدن شمشیر از غلاف و گذاشتن تیر در زه کمان مصداق آن بوده است و امروزه نشان دادن موشک های قدرتمند، مسلح کردن سلاح (آماده تیراندازی)، و یا انجام رزمایش و قدرت نمایی نظامی با سلاح های پیشرفته و مرگبار می توانند از مصادیق تجرید سلاح و یا اشتهار سلاح باشند. این نکته را از نگاه صاحب معالم توان بهتر برداشت کرد چرا که در معالم الدین، اشاره شده است که تحقق محاربه منحصر بر اشیایی که به عنوان اسلحه شناخته می شون، نیست بلکه سنگ، عصا، چوب یا هر چیزی که محارب به عنوان سلاح برای ترساندن مردم استفاده کند، محاربه محقق می شود. بنابراین، موشک، بالگرد و جت های جنگی، انواع بمبها و سایر ادوات جنگی نیز در تحقق محاربه مصداق واقعی «سلاح» هستند.

با این نگاه، همانطور که در فصول قبل ذکر شد، یکی از کاربردهای داده های ژنتیکی، ساختن سلاح هایی است که بر روی ژن انسانهای خاصی که اطلاعات ژنتیکی آنها را به دست آورده اند، بیشترین اثر را بگذارند و تغییرات ژنتیکی عمیقی روی آنها ایجاد کنند. سلاح های دارای قدرت تخریب ژنتیکی، از مرگبارترین و خطرناک ترین سلاح ها هستند که هرچند در لحظات ابتدایی استفاده از آنها، انفجار یا تخریب ظاهری زیادی نداشته باشند، اما به مرور زمان اثر فجیع خود را می گذارند. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه «سلاح» در تعریف محاربه، همانطور که در بیان برخی فقها اشاره شد، منحصر در اشیا و ادوات جنگ فیزیکی نیست، بلکه برخی سلاح ها بدون هیچ گونه آثار و علائم فیزیکی عمل می کنند. مثلا در فصول قبل اشاره

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

شد که با ذرات ریزی از مواد خاصی در جهت وزش باد و ورود آن به دستگاه تنفسی افراد، اثرات بسیار مخربی بر بدن آنها وارد می شود لذا در این مساله، همان ذرات نوعی سلاح محسوب می شوند که از طریق باد شلیک می شوند مانند تیری که از کمان شلیک می شود. حتی گاهی از یک «ویروس» و یا هر نوع عامل دیگر بیماری به عنوان «سلاح» برای کشتن انسانها ستفاده می کنند. لذا سرقت داده های ژنتیکی برای ساختن این نوع سلاح ها، کمک به تحقق محاربه محسوب می شود.

۲- قصد ترساندن مردم (لاخافة الناس) در عصر حاضر از چند جهت قابل تصور است؛ یکی همان معنای اولیه که فرد یا افرادی در محلی اقدام به سلاح کشی، اربده و تهدید و ایجاد رعب و وحشت کنند تا از این طریق به اهداف خود برسند. معنای دیگر که در عصر حاضر با گسترش رسانه های تصویری قابل تحقق است، اینکه با ضبط تصاویری از سلاح ها و اعمالی خشونت آمیز و ارسال به مخاطبان مورد نظر، به نحوی که منجر به ایجاد رعب و وحشت برای مخاطبان گردد، محاربه تحقق یابد. این قصد (ترساندن مردم) در سطح کلان، با قدرت نمایی دشمنان اسلام از طریق رزمایش و تهدیدات نظامی نسبت به امت اسلام قابل تصور است و با توجه به تعاریف فقهی یاد شده، به نظر می رسد حضوری یا غیر حضوری بودن (ارتباط تصویری در معنای امروزی) تفاوتی در معنای محاربه ایجاد نکند چراکه هدف دشمنان از این اقدامات، ایجاد ترس در دل مومنان برای دست کشیدن از آرمانها و اهداف اسلامی خود است. بنابراین بر طبق برخی تعاریف که صرفا «قصد» را برای تحقق محاربه کافی می دانستند هرچند ترسی به وجود نیاید (محقق حلی، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۱۴۰۸، ج۴، ص۱۶۷؛ علامه حلی، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، ۱۴۲۰، ج۵، ص ۳۸۰)، این اقدامات از سوی دشمنان اسلام محاربه است هرچند در دل مومنین ترسی ایجاد نشود.

امروزه سلاح های ساخته شده از مواد رادیواکتیوی، اتمی و بمب های حاوی ذرات بیماری از جمله ترسناک ترین بمبهای جهان هستند که اثرات آنها بر جسم انسان به قدری وحشتناک است که تصور آن هم درد آور است.

بمبمهای ژنتیکی و بیولوژیک و نسل کشی خاموش که در فصول قبل به آنها اشاره شد، از این نوع هستند. ترس از این نوع سلاح ها به مراتب بیشتر از سلاحی مانند شمشیر و یا سلاح های

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

گرمی مانند اسلحه‌های انفرادی و حتی موشک های دارای قدرت تخریب بالاست. لذا انجام رزمایشها وآزمایش موشکها و حتی اعلام داشتن این نوع سلاح ها با قصد ترساندن دیگران، قید «لاخافة الناس» را در تعریف محاربه محقق کرده است. بنابراین، سرقت اطلاعات ژنتیکی برای کاربردهای منفی علیه انسانها، کمک به تحقق محاربه خواهد بود و اگر قصد سارق از ابتدا این مساله باشد، همکاری در محاربه محسوب می گردد.

۳- در تعاریف محاربه، برخی فقها «اهل ریبه» را برای فاعل یا مرتکب معتبر دانسته بودند و بیشتر فقها آن را معتبر نداسته بودند و قصد ترساندن (لاخافة) را کافی دانسته بودند. در بحث این تحقیق، باید گفت کشورهایی که از داده های ژنتیکی برای اهداف شوم استفاده می کنند، معمولا کشورهای توسعه یافته و دارای قدرت صنعتی و نظامی بالا هستند وکشورهای زیادی از آنها به اصطلاح حساب برده و در سطح جوامع به استکباری و زورگو مشهورند که احترامی هم برای غیر خودشان قائل نیستند و این همان معنی «اهل ریبه بودن» است لذا اگر هم این قید را در تحقق محاربه معتبر بدانیم، باز هم استفاده از سلاح های بیولوژیک برای ترساندن مردم و قدرت نمایی، عموما توسط دولتهایی انجام می شود که «اهل ریبه» هستند.

۴- از قیود دیگر تعریف، عدم تفاوت در جنسیت مرتکب، مکان و زمان اجرا بود که می توان چنین تحلیل کرد که ارعاب از راه دور (با استفاده از ارسال تصاویر و. . .) نیز محقق می شود. لذا اعلام قدرت سلاح های بیولوژیکی و یا سلاح های کشتار جمعی دیگر، قدرت بر گسترش نوعی بیماری (مانند کرونا در عصر حاضر) که با هدف ابراز قدرت و ترساندن مخاطبان خود انجام شود، مشمول تحقق محاربه است.

۵- یکی از قیودی که در برخی تعاریف آمده بود، این بود که محارب را به «قطاع الطریق» و یا به تعریف امروزی «راه زن» تعبیر کرده بودند که به نظر می رسد، «طریق» موضوعیت نداشته باشد چرا که همانطور که در سایر تعاریف بود، در تحقق محاربه، مکان و شهر و روستا و. . . تفاوتی در تحقق محاربه ندارد. بر همین اساس است که در نظر فقهای عصر حاضر، ایجاد ناامنی در اجتماع مد نظر است و گفته شده محارب به کسی گویند که با اسلحه مردم را تهدید کند و قصد جان یا مال یا ناموس مردم را داشته باشد و در محیط اجتماع ایجاد ناامنی کند (مکارم شیرازی، گنجینهٔ آرای فقهی قضایی (نسخه الکترونیکی): کد سؤال ۶۴۸۴).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نتیجه‌گیری

با توجه به تعاریف و قیود آن از محاربه، و همچنین با توجه به مطلبی که از سوءاستفاده از داده های ژنتیکی در کشتار و تغییرات ژنی در انسانها گفته شد، به نظر می رسد استفاده از این سلاح ها و ابزار حاوی عامل بیماری و دارای قدرت تغییر در سلولهای بنیادی انسان، به عنوان ابزاری برای قدرت نمایی و ایجاد ترس در دیگران، مصداق بارز محاربه بوده و بلکه شایع ترین نوع محاربه در سطح کلان باشد. همچنین سرقت داده های ژنتیکی برای این اهداف، اقدمات مقدماتی برای سوءاستفاده از آنها برای تحقق محاربه است. لذا سرقت ژنتیک را باید از بدترین انواع سرقت و همکاری در محاربه علیه اسلام دانست و در برخوردهای حقوقی با آن، بیشترین مجازات را برای آن در نظر گرفت. در فصول بعد، مباحث حقوقی موضوع مطرح خواهد شد.

فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار – دوره هفتم – شماره ۲۶ – تابستان ۱۴۰۲ – دبیرخانه مرکزی ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

منابع و مآخذ

* قرآن کریم و بعد ....

۱. ابن زهره، حمزةبن علی، الغنیة، قم، مؤسسة امام صادق (ع)، اول، ۱۴۱۷

۲. ابنمنظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، اول، ۱۹۹۷

۳. اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی أحکام القرآن، در یک جلد، المکتبة الجعفریة لإحیاء الآثار الجعفریة، تهران – ایران، اول، ه ق

۴. انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، بیروت، مؤسسه الاعلمی.

۵. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۳ جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم – ایران، اول، ۱۴۲۶ ه ق.

۶. حکیم، سید محسن طباطبایی، نهج الفقاهة، در یک جلد، انتشارات ۲۲ بهمن، قم – ایران، اول، ه ق

۷. حلبی، ابن زهره، حمزة بن علی حسینی، غنیة النزوع إلی علمی الأصول و الفروع، در یک جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم – ایران، اول، ۱۴۱۷ ه ق

۸. حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم – ایران، دوم، ۱۴۱۰ ه ق

۹. حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، نکت النهایة، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم – ایران، اول، ۱۴۱۲ ه ق

۱۰. خرازی، سیدمحسن، کاوشی در حکم فقهی تجسس، مجله فقه اهل بیت (ع)، شماره ۲۶، سال

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱۱. خراسانی، ملا محمد کاظم، کفایه الاصول، تهران، کتابفروشی اسلامیه.

۱۲. خمینی، سید روح الله موسوی، استفتاءات (امام خمینی)، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، پنجم، ۱۴۲۲ ه ق.

۱۳. زبیدی، سید محمدمرتضی، تاج العروس، تهران، نشر دار الفکر، دوم، ۱۴۱۴ ق

۱۴. سبزواری، محقق، محمد باقر بن محمد مؤمن، کفایۀ الأحکام، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۲۳ ه ق

۱۵. شهید ثانی، زینالدینبن علی، مسالک الافهام، قم، مؤسسۀ المعارف الاسلامیۀ، اول، ۱۴۱۳ ق

۱۶. شهید اول، محمد بن مکی، الدروس الشرعیۀ فی فقه الإمامیۀ، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۷ ه ق

۱۷. شهید اول، محمد بن مکی، غایۀ المراد فی شرح نکت الإرشاد، ۴ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴ ه ق

۱۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضۀ البهیۀ فی شرح اللمعۀ الدمشقیۀ (المحشی - کلانتر)،

۱۹. شیرازی، سید محمد حسینی، الفقه، السلم و السلام، در یک جلد، دار العلوم للتحقیق و الطباعۀ و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۲۶ ه ق

۲۰. صدر، شهید، سید محمد باقر، اقتصادنا، در یک جلد، دفتر تبلیغات اسلامی - شعبه خراسان، قم

۲۱. صدر، صید محمد باقر، دروس فی علم الاصول، موسسه النشر الاسلامی. بی تا.

۲۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۳ ه ق.

فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار - دوره هفتم - شماره ۲۶ - تابستان ۱۴۰۲ - دبیرخانه مرکزی ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۲۳. طباطبایی، سید تقی، الأنوار البهیة فی القواعد الفقهیة، در یک جلد، انتشارات محلاتی، قم – ایران، اول، ۱۴۲۳ ه ق.

۲۴. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، به کوشش بهبودی، تهران، مکتبة المرتضویه؛

۲۵. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، در یک جلد، دار الکتاب العربی، بیروت – لبنان، دوم، ۱۴۰۰ ه ق

۲۶. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، فوائد القواعد، در یک جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم – ایران، اول، ۱۴۱۹ ه ق

۲۷. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، ۱۵ جلد، مؤسسة المعارف الإسلامیة، قم – ایران، اول، ۱۴۱۳ ه ق

۲۸. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، السرقة علی ضوء القرآن و السنة، در یک جلد، انتشارات کتابخانه و چاپخانه آیة الله مرعشی نجفی – ره، قم – ایران، اول، ۱۴۲۴ ه ق.

۲۹. نائینی، میرزا محمد حسین غروی، المکاسب و البیع (للمیرزا النائینی)، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم – ایران، اول، ۱۴۱۳ ه ق

۳۰. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، دار إحیاء التراث العربی، بیروت – لبنان، هفتم، ۱۴۰۴ ه ق

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار – دوره هفتم – شماره ۲۶ – تابستان ۱۴۰۲ – دبیرخانه مرکزی ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

Archive of SID.ir